



مبعث حضرت رسول اکرم (ص)

ولادت حضرت قائم (عج)

مبارک باد



راه اندازی صندوق رفاه در دانشگاه

در گفتگویی با معاون اداری و مالی دانشگاه، ایشان از راه اندازی صندوق رفاه دانشجویی در سال تحصیلی جدید ۹۰-۹۱ در دانشگاه خبر دادند. دانشجویان با شروع سال تحصیلی جدید می-توانند برای دریافت وامهای بلند مدت دانشجویی به این صندوق مراجعه نمایند.

برگزاری موفقیت آمیز امتحانات پایان

ترم



مهندس حمزه جلالی رئیس دانشگاه از برگزار کنندگان امتحانات پایان نیمسال دوم سال تحصیلی جاری تشکر و قدردانی نمودند. ایشان در گفتگویی با خبرنگار: برگزاری موفقیت آمیز امتحانات را نتیجه تلاش، جدیت و هماهنگی کامل بین اساتید، کارکنان و تمامی مجموعه برگزار کننده امتحان دانسته و ایجاد فضایی کاملاً مطلوب و آرام به همراه امنیت بسیار بالا همانند ترمهای قبل را دست آوردی دیگر برای این مرکز برشمردند.

نگاهی به مبعث پیامبر اعظم

بعثت پیغمبر اسلام یا برانگیخته شدن آن حضرت به مقام عالی نبوت و خاتمیت، حساسترین فراز تاریخ درخشان اسلام است. بعثت پیغمبر درست در سن چهل سالگی حضرت انجام گرفت. پیغمبر تا آن زمان تحت مراقبت روح القدس قرار داشت، ولی هنوز پیک وحی بر وی نازل نشده بود. قبلاً علائمی از عالم غیب دریافت می داشت، ولی مامور نبود که آن را به آگاهی خلق هم برساند.

میان مردم قریش و ساکنان مکه مرسوم بود که سالی یک ماه را به حالت گوشه گیری و انزوا در نقطه خلوتی می گذرانیدند. (۱) درست روشن نیست که انگیزه آنها از این گوشه گیری چه بوده است، اما مسلم است که این رسم در بین آنها جریان داشت و معمول بود.

نخستین فرد قریش که این رسم را برگزید و آن را معمول داشت عبدالمطلب جد پیغمبر اکرم بود که چون ماه رمضان فرا می رسید، به پای کوه حراء می رفت، و مستمندان را که از آنجا می گذشتند، یا به آنجا می رفتند، اطعام می کرد. (۲)

به طوری که تواریخ اسلام گواهی می دهد، پیغمبر نیز پیش از بعثت به عادت مردان قریش، بارها این رسم را معمول می داشت. از شهر و غوغای اجتماع فاصله می گرفت و به نقطه خلوتی می رفت و به تفکر و تأمل می پرداخت.

در مدتی که بعدها در «حراء» به سر می برد، غذایش نان «کعک» و زیتون بود، و چون به اتمام می رسید، به خانه باز می گشت و تجدید قوا می کرد. گاهی هم همسرش خدیجه برایش غذا می فرستاد. غذایی که در آن زمانها مصرف می شد، مختصر و ساده بود. (۴)

پیغمبر چند سال قبل از بعثت، سالی یک ماه در حرا به سر می برد، و چون روز آخر باز می گشت، نخست خانه خدا را هفت دور طواف می کرد، سپس به خانه می رفت. (۵)

کوه حراء امروز در حجاز به مناسبت این که محل بعثت پیغمبر بوده است «جبل النور یعنی کوه نور خوانده می شود. حراء در شمال شهر مکه واقع است و امروز تقریباً در آخر شهر در کنار جاده به خوبی دیده می شود. کوههای حومه مکه اغلب به هم پیوسته است و از سمت شمال تا حدود بندر «جده» واقع در ۷۰ کیلومتری مکه و کنار دریای سرخ امتداد دارد.

این سلسله جبال که از یک سو به صحرای «عرفات» و سرزمین «منا» و شهر «طائف» و از سوی دیگر به طرف «مدینه» کشیده شده است، با درهها و بیابانهای خشک و سوزان و آفتاب طاقت فرسای خود شاید بهترین نقطه ای است که آدمی را در اندیشه عمیق خودشناسی و خدانشناسی و دوری از تعلقات جسمانی و تعینات صوری و مادی فرو می برد.

کوه نور از بلندترین کوههای اطراف مکه است، و جدا از کوههای دیگر به نحو بارزی سر به آسمان کشیده و خودنمایی می کند. هر چه بیننده به آن نزدیک تر می شود، مهابت و جلوه کوه بیشتر می گردد. از آن بلندی در زمان خود پیغمبر قسمتی از خانههای مکه پیدا بود، و امروز قسمت زیادتری از شهر مکه پیداست. قله کوه نیز در پشت بامها و از داخل اطاقهای بعضی از طبقات ساختمانهای مکه به خوبی پیدا است.

غار حراء که در قله کوه قرار دارد، بسیار کوچک و ساده است. در حقیقت غار نیست، تخته سنگی عظیم به روی دو صخره بزرگتری غلت خورده و بدین گونه تشکیل دهنه غار حراء داده

است. دهنه غار به قدری است که انسان می تواند وارد و خارج شود. کف آن هم بیش از یک متر و نیم برای نمازگزاردن جا ندارد.

غار حراء جایی نبوده که هر کس میل رفتن به آنجا کند، و محلی نیست که انسان بخواهد به آسانی در آن بیاساید. فقط یک چیز برای افراد دوراندیش در آنجا به خوبی به چشم می خورد، و آن مشاهده کتاب بزرگ آفرینش و قدرت لایزال خداوند بی زوال است که در همه جای آن نقطه حساس پرتو افکننده و آسمان و زمین را به نحو محسوسی آرایش داده است! براساس تحقیقی که ما نموده ایم پیغمبر مانند جدش عبدالمطلب در پای کوه حراء فی المثل در خیمه به سر می برده و رهگذران را پذیرائی می کرده و فقط گاهگاهی به قله کوه می رفته و به تماشای جمال آفرینش می پرداخته است که از جمله لحظه نزول وحی، در روز ۲۷ ماه رجب بوده است.

به طوری که قبلاً یادآور شدیم، پیغمبر قبل از بعثت هم حالانی روحانی داشته و تحت مراقبت روح القدس گاهی تراوشاتی غیبی می دیده و اسراری بر آن حضرت مکشوف می شده است. هنگامی که پانزده سال پیش نداشت، گاهی صدائی می شنید، ولی کسی را نمی دید.

هفت سال متوالی بود که نور مخصوصی می دید و تقریباً شش سال می گذشت که زمزمه ای را می شنید، ولی درست نمی دانست موضوع چیست؟

چون این اخبار را برای همسرش خدیجه بازگو می کرد، خدیجه می گفت: «تو که مردی امین و راستگو و بردبار هستی و دادرس مظلومانی و طرفدار حق و عدالت هستی و قلبی رئوف و خوئی پسندیده داری و در مهمان نوازی و تحکیم پیوند خویشاوندی سعی بلیغ مبذول می داری، اگر مقامی عالی در انتظارت باشد، جای شگفتی نیست. (۶)

هنگامی که به سن سی و هفت سالگی میل به گوشه گیری و انزوا از خلق پیدا کرد، چندین بار در عالم خواب، سروش غیبی، سخنانی به گوشش سرود، و او را از اسرار تازه ای آگاه ساخت، بعدها نیز در پای کوه حراء و میان راههای مکه بارها منادی حق بر او بانگ زد. در هر نوبت صدا را می شنید ولی صاحب صدا را نمی دید!

در یکی از روزها که در دامنه کوه حراء گوسفندان عمویش ابوطالب را می چرانید، شنید کسی از نزدیک او را صدا می زند و می گوید: یا رسول الله! ولی به هر جا نگرستی کسی را ندید. چون به خانه آمد و موضوع را به خدیجه اطلاع داد، خدیجه گفت: امیدوارم چنین باشد. (۷)

روز بیست و هفتم ماه رجب محمد بن عبدالله مرد محبوب مکه و چهره درخشان بنی هاشم در غار حراء آرمیده بود و مانند اوقات دیگر از آن بلندی به زمین و زمان و ایام و دوران و جهان و جهانیان می اندیشید. می اندیشید که خدای جهان جامعه انسانی را به عنوان شاهکار بزرگ خلقت و نمونه اعلای آفرینش خلق نمده و همه گونه لیاقت و استعداد را برای ترقی و تعالی به او داده است. همه چیز را برایش فراهم نموده تا او در سیر کمالی خود نانی به کف آرد و به غفلت نخورد. ولی مگر افراد بشر به خصوص ملت عقب مانده و سرگردان عرب و بالاخص افراد خوش گذران و مال دوست و مال دار قریش در این اندیشهها هستند؟ آنها جز به مال و ثروت خود و عیش و نوش و سود و نزول ثروت خود به چیزی



نکته: «روایت است که شیخ شهاب‌الدین ابی طلحه در کتاب خود آورده که چون پدر آن حضرت، امام حسن عسکری (ع) به جوار رحمت حق پیوست، وی (= امام مهدی (ع)) به یکبارگی از خلق انقطاع نمود و به هیچ وجه به دوستان، چه جای دشمنان اختلاط [۶] نمی‌نمود. یک چند وی را ندیدند، در وجود و عدم او سخنان گفتند و اختلاف در میان امت افکندند؛ اما غیبت آن حضرت، موجب آن نیست که در قید حیات نباشد و چون در قُدْرَت کامله کَامِلُ الْقُدْرَةِ [= حق تعالی] عجیب نیست و غریب نمی‌نماید که غایب باشد بعد از مدتی ظاهر گردد. به صحت رسیده و کسی از فرقه‌های اسلامی مخالف آن نکرده‌اند که از مقبولان درگاه الهی چون خضر و الیاس (ع) زنده و موجودند و از مردودان درگاه پادشاهی چون شیطان زنده است و در اقطار عالم به فساد و افساد عالمیان مشغول است».

امام عصر (عج) از زبان مادر

در باره غیبت آن حضرت از زبان مادر بزرگوارشان، حضرت نرجس خاتون، چنین نوشته‌اند:

نکته: «نزد پسر خود رفتم و گفتم: ای نوردیده من و ای سُورور سینه غم رسیده من! به درستی و راستی که دشمنان عزم جزم کرده‌اند تا تو را به دست آرند و به نَفَسِ کِشیدن امان ندهند تا نکشند. فرمود که من سلاح جِرِّزِ اللَّهِ پوشیده‌ام و زِرِّهِ حِمَايَتِ اللَّهِ در بر افکنده‌ام؛ «حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ النَّصِيرُ». خلائق، مرا دیگر نخواهند و اگر ببینند نخواهند شناخت تا آن زمان که وعده رسد. این بگفت و از نظر غایب شد»

حکیم ملا عبدالرزاق قِيَاض لاهیجی در کتاب گوهر مراد درباره چگونگی آغاز غیبت کبرای آن حضرت می‌فرماید:

حکایت: «و چون نوبت و کالت [و نیابت آن حضرت] به علی بن محمد السمیری رسیده، خبر داد که حضرت صاحب وی را خبر داده به موت وی و تعیین روز وفات، و فرمود که کسی را وکیل نکند که وقت غیبت کبرا رسیده و در این غیبت امتحان خواهد کرد خدای تعالی مؤمنان را، پس علی بن محمد السمیری در همان وقتی که [آن حضرت] خبر داده بود وفات کرد».

«ای درویش! شیخ هر چه فرماید، از سر دید فرماید؛ اما بسیار کس به این سخن زیان کردند و می‌کنند و بسیار کس سرگردان شدند و می‌شوند. مراد من از این سخن، آن است که من در عمر خود چندین کس را در خراسان و کرمان و پارس دیدم که این دعوی کردند که این صاحب‌الزمان که خبر داده‌اند ماییم و این احوال که خبر داده‌اند، بر ما ظاهر شد و نشد. و در این حسرت مردند، و بسیار کس دیگر آیند و این دعوی کنند و در این حسرت میرند».

است. در این مجال می‌کوشیم با مراجعه به متون کهن فارسی، پاسخ این پرسش‌ها را بیابیم:

آن حضرت، امام دوازدهم است از ائمه اثنا عشر (ع). لقب شریفش را مهدی صاحب‌الزمان خوانند... از اولاد علی بن ابی‌طالب (ع) است و زینت زمین و زمان و مَهْطُ اَمْن و اَمَان ... خلیفه و امام زمان، ... پسر امام حسن عسکری (ع) است و اَیُّوم، موجود است و به واسطه حکمت مخفی الهی، در پرده غیبت است و ظهورش بِلَا شَكِّ وَ رَیْبٍ».

وجود حضرت مهدی

نکته: «از حضرت رسول (ص) منقول است: اگر از دنیا نماند جز یک روز، همانا خداوند تعالی آن روز را طولانی می‌کند، تا اینکه مردی از خاندان من [از پس پرده غیبت] بیرون بیاید. اسم او، اسم من و کنیه او، کنیه من است. زمین را پر از داد و عدل می‌کند. آن حضرت خروج خواهد کرد و بساط عدل خواهد گسترانید و داد مظلوم از ظالم خواهد گرفت».

حکایت: «حکیمه خاتون می‌گوید که من و نرجس خاتون - که مادر آن حضرت است، به وقت وضع حمل - به فرموده پدرش حسن عسکری - «اِنا انزُگناه» می‌خواندیم، آن حضرت نیز در شکم مادر می‌خواند. از آن ترسیدم. دیگر باره آواز بر آمد: سلام بر شما ای عمه و مادرا! ترسید و تعجب مکند و چون متولد شد از او نوری ظاهر شد که بر نور چراغ غلبه کرد و به زانو در آمد و سر سوی آسمان کرد. و در بعضی کتب چنان است که پیشانی بر زمین بگذاشت و گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

امامت مهدی (عج) از زبان پدرش

پدر بزرگوار ایشان، امام حسن عسکری (ع)، در جواب پرسش یکی از شیعیان، تصریح به امامت امام مهدی (ع) بعد از خود کرده‌اند. احمد بن تاج‌الدین استرآبادی در کتاب آثار احمدی می‌نویسد:

حکایت: «ابی‌الادیان می‌گوید: به رسم رسالت از پدر آن حضرت [امام حسن عسکری] در محل وداع مفارقت کلی از آن حضرت نمودم و گفتم: مولای و سیدی! امام و پیشوا و خلیفه و مقتدا بعد از شما که خواهد بود؟ فرمود: آن که جواب نامه بستاند و از نُقُود آنچه بر تو باشد، بعد از نشانی [دادن] از تو طلب نماید.»

[ابی‌الادیان در ادامه می‌گوید]: «بعد از آمدن من، آن حضرت بر جوار حضرت حق رفته بود و مردم جعفر را که برادر آن حضرت و عمّ حضرت امام مهدی بود، تعزیت می‌دادند. من تعزیت رسانیدم، مرا هیچ نگفت. درنگی بر آمد، [۴] یکی آمد که مهدی تو را می‌طلبد، رفته و سلام کردم. فرمود: کتابت فلان و فلان را که آورده‌ای تسلیم کن و هر چه دراهم و دینار هر کس فرستاده بود، به نام آن کس و مقدار دراهم [نام برد و فرمود]: آن را هم تسلیم کن، دست وی بوسیدم و روی خود بر پایش مالیدم و [همه آنها] را تسلیم وی نمودم».

غیبت و طول زندگانی

غیبت حضرت امام مهدی (ع)، دلیل این نیست که آن حضرت در قید حیات نباشد. احمد بن تاج‌الدین استرآبادی در توضیح این مطلب در کتاب آثار احمدی چنین می‌نویسد:

نمی‌اندیشند. شراب و شاهد و ثروت و درآمد، ربا و استثمار مردم نگون بخت و نیازمند، تنها اندیشه‌ای است که آنها در سر می‌پروراند ...

اینک «او» درست چهل سال پرحادثه را پشت‌سر نهاده است. تجربه زندگی و پختگی فکر و اراده‌اش و استحکام قدرت تعقلش به سرحد کمال رسیده، و از هر نظر برای انجام سؤولیت‌بزرگ پیغمبری آماده است. در تمام قلمرو عربستان و دنیای آن روز جز او چه کسی بود که از جانب خداوند عالم شایستگی رهبری خلق را داشته باشد؟

رهبری که سرآمد رهبران بزرگ و گذشته جامعه انسانی باشد، و انسان‌های شرافتمند بر شخصیت ذاتی و تربیت خانوادگی و سوابق درخشان و ملکات فاضله و صفات پسندیده او صحنه بگذارند؟ او نوه ابراهیم بت شکن خلیل خدا و اسماعیل ذبیح و فرزند هاشم سید و سرور عرب و نوه عبدالمطلب، بزرگ و دانای قریش است. پدر در پدر و مادر در مادر شکوفان و درخشان و فروزان است. او از سلامتی کامل جسم و جان برخوردار بود که نتیجه وراثت صحیح و سالم است. وراثتی که پدران پاک و مادران پاک سرشت‌برایش باقی گذارده بودند. به طوری که دنیای جاهلیت هم با همه پلیدی و تیرگی و تاریکیش، نتوانست آن را آلوده سازد، و چیزی از شرافت و حسب و نسب او بکاهد. (۸)

پی‌نوشتها:

۱- سیره ابن هشام - ج ۱ ص ۱۵۴ سیره ابن هشام که آنرا قدیمترین تاریخ حیات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته‌اند، تلخیص از «سیره النبی ص» تألیف محمد بن اسحاق بن یسار مطلبی متوفای سال ۱۵۱ ه است که ابن حجر عسقلانی شافعی در کتاب «تقریب» رمی به تشیع او نموده است. ابن هشام، یعنی عبدالملک بن هشام حمیری، خود در سال ۲۱۸ ه وفات یافته است.

۲- سیره حلبه - ج ۱ ص ۳۸۱

۳- همان کتاب - ج ۱ ص ۳۸۲

۴- همان کتاب - ج ۱ ص ۳۸۲

۵- تاریخ طبری - ج ۳ ص ۱۱۴۹ - سیره ابن هشام، ج ۱ ص ۱۵۵

۶- سیره حلبیه - ج ۱ ص ۳۸۰ - ۳۹۱

۷- مناقب ابن شهر آشوب - ج ۱ ص ۴۴

۸- در زیارت وارث حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام می‌خوانیم که: «گواهی می‌دهم تو نوری بودی در صلب‌های شامخ پدران و رحم‌های پاک مادرانت، به طوری که ایام جاهلیت نتوانست آن را با اخلاق و آداب و رسوم پلید خود آلوده سازد، و چهره درخشان آن را دگرگون گرداند».

منبع :

تاریخ اسلام علی دوانی

غایب همیشه حاضر

وجود مهدی (عج) مورد اتفاق فرقه‌های اسلامی است. به اعتقاد شیعیان، آن حضرت، امام دوازدهم و از فرزندان امیرالمؤمنین علی (ع) است. پرسش‌های مهمی در مورد آن حضرت مطرح